



شیخ محمد مهدی شمس الدین

مسائل انقلاب ایران برای

* گروههای چپگرا و بعضی کشورهای عربی می خواهند قسمتی از جنوب لبنان را به

* ما هیچ توقعی از شما نداریم و البته طبیعی است که مسئولین جمهوری اسلامی

و در زیر عکس امام خمینی می نشینند. حتی رئیس جمهوری لبنان نیز زیر عکس امام می نشیند و این عکس نیز تازگیها نصب شده، بلکه از اول در آنجا قرار گرفته بود.

ما رسماً اعلام میکنیم که صد در صد با ایران یکی هستیم. البته این مسأله در سطح جهانی برای ما جریان میسازد و خساراتی را بر ما وارد می آورد. ولی در مقابل تمام این جریانات ایستادگی میکنیم و ترجیح میدهیم که همین خط را پی گیری کنیم و مصائب آنرا نیز بپذیریم. البته آنچه که گفته شد به عنوان یک تعارف و یا یک انگیزه عاطفی نبود.

هستند مسائل انقلاب اسلامی را مسأله خود بدانند. همانطور که قبل از پیروزی انقلاب مجلس ما مرکز و پایگاهی برای ادامه انقلاب ایران بود، هم اکنون نیز این مجلس فعالیتهای بسیاری را در جهت گسترش این پیروزی انجام داده است. پس از پیروزی انقلاب بلندترین و بیشترین صداها در حمایت از انقلاب اسلامی از مجلس شیعیان برخاست و در زمینه برخورد با تبلیغات مفرضانه دشمنان و خطوطی که با انقلاب اسلامی تضاد داشتند، ما آنچه را که در توان داشتیم بکار بردیم حتی بخاطر این حرکت روابط سیاسی خود را که بدلیل بعضی مسائل با دیگر گروههای لبنان برقرار کرده بودیم، قطع کردیم. ما برای انقلاب اسلامی در برابر تمامی قدرتها و گروهکها جبهه گیری کردیم و روابطمان را با آنها قطع کردیم.

در زمینه تبلیغ انقلاب ما کارهای بسیاری انجام داده ایم و حتی در سفری که اخیراً به فرانسه داشتیم، به همان اندازه که مسائل داخل لبنان را مطرح کردیم به مسائل انقلاب اسلامی ایران نیز اشاره می کردیم. بطور کلی مسائل انقلاب ایران برای ما همان اهمیت مسائل خودمان را دارد.

ما هر تصمیمی را که در رابطه با خط مشی انقلاب اتخاذ گردد، مخصوصاً تصمیم هائی که از طرف امام خمینی گرفته شود، به عنوان وظیفه و تعهد و تکلیفی شرعی می پذیریم، حتی اگر این تصمیم مخالف نظر شخصی ما باشد.

شما که در سالن اجتماعات این مجلس نشسته اید در آن عکس امام موسی صدر مؤسس مجلس و شهید محمد باقر صدر و در کنار آن عکس امام خمینی قرار دارد. در اینجا شخصیهائی که در لبنان هستند و یا شخصیهائی که از سراسر جهان به لبنان آمده و در رابطه با مسائل ما هستند، حاضر شده

در شماره گذشته قسمتی از فعالیتها و دیدارهای گروه طلبه و دانشجویان اعزامی ایران به کشور لبنان از نظرتان گذشت. در این شماره نیز مشروح سخنان شیخ محمد مهدی شمس الدین، نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان که در دیدار با این گروه در محل مجلس اظهار نموده است، بجا می رسد. نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان در این سخنرانی پیرامون موضوعگیریهای جنش امل در رابطه با انقلاب اسلامی و وضع شیعیان جنوب لبنان و وحدت با گروههای فلسطینی و مسلمانان سخنانی اظهار داشت.

لازم به تذکر است که محل مجلس اعلای شیعیان لبنان در بیروت بوده و در اثر تلاشهای شبانه روزی امام موسی صدر و یارانش تأسیس شده است. این مجلس بالاترین مرجع قانونی شیعیان لبنان میباشد که ریاست آن بعهده امام موسی صدر بود و هم اکنون شیخ محمد مهدی شمس الدین مسئولیت آنرا بعهده دارد. این مجلس از مجلس شورای کشور لبنان جدا میباشد.

شیخ محمد مهدی شمس الدین ابتدا پیرامون همکاریها و مواضع مجلس اعلای شیعیان در قبال انقلاب اسلامی چنین گفت: «جنش امل از ابتدا حمایت از انقلاب اسلامی را به عنوان یک وظیفه و مسئولیت شرعی برای خود تلقی میکرد و عملاً در خدمت انقلاب اسلامی قرار گرفته بود. همین مجلس شیعه که در آن نشسته اید، جایگاه مبارزین انقلاب ایران بود و در همین محل برای پیشبرد انقلاب تصمیمات و برنامه ریزیهای ضروری با شرکت بسیاری از شخصیهائی انقلابی از جمله امام موسی صدر صورت میگرفت، و حتی مسائل سری انقلاب نیز در مجلس مطرح میگردد. به این ترتیب طبیعی است که مجلس اعلای شیعه و افرادی که در آن

* هر تصمیمی که از سوی مسئولین

جمهوری اسلامی مخصوصاً امام اتخاذ گردد، بعنوان تکلیف شرعی خود می پذیریم.

بلکه این موضع را به عنوان وظیفه ای شرعی انتخاب کرده و پیروی میکنیم و این حرکت مصداق بر این آیه میباشد که میفرماید: «انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لاشکورا» (سوره انسان، آیه ۹)

«جز این نیست که میخورانیم شما را بخاطر خدا و از شما پاداش و سیاسی نخواهیم.»
ما هیچ توقعی در این رابطه نداریم و البته مسئولین جمهوری اسلامی، مسئولیتهای خویش را تشخیص خواهند داد و طبیعی است که به آنها عمل خواهند کرد.»

اعزامی دانشجویان و طلبه های ایرانی

صدر برای بسیاری از رهبران اهل سنت نامه نوشت ولی آنها به پاسخهای کلی اکتفا کردند، و تنها بعضی از آنها حاضر به گفتگو در این رابطه شدند. بطور کلی ما معتقدیم که پیوند با برادران و خواهران اهل سنت باید به صورتی باشد که جوهره تشیع را برابمان باقی بگذارد، زیرا این مسأله برای ما بصورت تکلیف و وظیفه شرعی محسوب میگردد.

ولی بعد از بحثهای فراوان سرانجام برادران اهل سنت ادعا کردند که هر ارگان و مرکزی که تشکیل گردد باید «رنگ سنی» داشته باشد و با معیارها و رنگ خاص مذهب سنی تجلی یابد. اگر آنها بر این عقیده خود اصرار نمپورزیدند، ما اساسا مجلس اعلائی شیعه را تشکیل نمیدادیم و به مجلسی برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی اکتفا میکردیم. بدنبال این اصرار ما مجلس شیعی را تشکیل دادیم ولی از همان آغاز آغوش خود را برای وحدت و پذیرش برادران و خواهران اهل سنت باز کردیم. هم اکنون نیز شخصا در رابطه با وحدت شیعه و سنی تلاشهای زیادی انجام داده ام و انشاء الله سلسله برنامه هائی در آینده در این مورد اجرا خواهد گردید. اما بطور کلی شیعیان در لبنان همیشه تحت استضعاف بوده اند و تمام کوشش مجلس طی سالهای گذشته بر این بوده است که از نظر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی به شیعیان محروم رسیدگی کند و روحیه استضعاف را از آنان گرفته و اعتماد روحی را جایگزین آن نماید. البته هم اکنون شیعیان از حالت استضعاف معنوی و تا حدودی مادی، بیرون آمده اند و حتی اگر

بقیه در صفحه ۷۸

سنت مسلمانان خودمان را دارد

اسرائیل واگذار کنند و در قسمت دیگر فلسطینی ها را اسکان دهند.

به مسئولیت های خویش در قبال ما عمل خواهند کرد.

افراد متدین نیز در این جرگه وارد شوند. ولی آنها مسئولیتی را در رابطه با کل جریانات و بدبختیها نمی پذیرند. برداشت شما و برداشت جمهوری اسلامی باید بر این اساس باشد و هرگونه برداشت مخالف آن به تضعیف مجلس شیعی منجر خواهد شد و در اثر آن دفاع ما از انقلاب اسلامی نیز ضعیف تر خواهد گردید. در مورد پیوند با برادران اهل سنت لبنان ما تلاشهای بسیاری را بکار بردیم و حتی امام موسی

شیخ محمد مهدی شمس الدین در ادامه سخنان خود پیرامون وضع فعلی شیعیان لبنان و پیوند با اهل سنت گفت: «شیعیان در لبنان تکه تکه نشده اند و وحدتی که هم اکنون در لبنان وجود دارد، هیچگاه در لبنان سابقه نداشته است. الان در لبنان مجلس شیعی به عنوان مرکز رهبری از طرف مردم شناخته شده و این مجلس نیز در جنبش امل تجلی یافته است. البته در هیچ جای دنیا نمیتوان جریانی را یافت که یک یا چند نفر مخالف آن نباشند. حتی ممکن است که از

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اعضای هیئت ایرانی در دیدار با نائب رئیس مجلس اعلائی شیعیان لبنان

امر به معروف و...

دور می افتیم و نظم سخن را از دست می دهیم. تنها به چند نکته آن اشاره ای می شود و از آن می گذریم تا در فرصتی دیگر.

در مجتمع ایمانی همه افراد، چه مرد و چه زن، نسبت به یکدیگر ولایت، دوستی، همبستگی، عضویت تشکیلاتی و سرپرستی نظام یافته دارند. این ولایت به حرف و درحد مجامله و تعارف نیست، بلکه مستلزم وظایف عملی است که بدون انجام آنها، ادعای ایمان و ولایت ادعائی ناشایسته و بیجاست. آن وظایف کدامست؟

۱- پیوسته به معروف دستور دادن، با توضیحاتی که در آیات پیش داده شد.

۲- از منکر یعنی زشتیها، ناشایستیها، آلودگیها و آنچه ناپسند است و نباید مستمرا بازداشتن.

۳- نماز گزاردن، نماز برپای داشتن، جو نمازخوانی و محیط مناسب معنوی و برقراری پیوند با خدا ایجاد کردن، با تمام شرایط و لوازم آن.

۴- پرداختن زکاة و مسائل و مشکلات مالی را هماهنگ با اصول فوق حل کردن.

۵- از فرمان خدا و رسول اطاعت کردن و ولایت خدا و پیغمبرش را برگردن گرفتن.

این اصل نظام سیاسی مجتمع اسلامی را تشکیل می دهد، و بدون رعایت این اصل آنچه به عنوان ولایت متقابل مؤمنان، در مقدمه، گفته شد، به کمال نمی رسد.

۶- چنین مردمی، با تمام این شرایط مورد رحمت پیوسته خدا قرار خواهند گرفت. رحمت خدا ابعاد فراوان دارد که یکی از آنها، ایجاد همبستگی و

مودت و مهربانی و همدردی و نزدیکی یک امت به یکدیگر و با یکدیگر است.

۷- چون خدا از جمله صفات ذاتی که دارد عزت و حکمت است به این گونه مجتمعهها و مردمان نیز عزت و حکمت کرامت می فرماید.

عزت یعنی قدرت و استقلال و گرانسنگی و ارزش و پرمایگی.

حکمت یعنی استفاده شایسته و به جا و به موقع و پروبیمان از دانش و آگاهیها کردن.



نکته قابل توجه که به موضوع امر به معروف و نهی از منکر مربوط می شود، جامعه منافقان است. در آن جامعه همه ارزشها و ازگونی می شود، زنان و مردان دو روی دروغگوی پرمدها به زشتیها دستور می دهند و از نیکیهها و شایسته ها بازمی دارند و در امر اقتصادی و مالی هم دستهایشان سخت بسته است. اینان با چنین برنامه ای خدا را به فراموشی سپرده اند و خداهم آنان را به حال زار خودشان واگذار کرده است:

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمْ الْفَاسِقُونَ. (توبه / ۶۷).

مردان و زنان منافق برخی از برخی دیگرند. به

منکر دستور می دهند و از معروف بازمی دارند، و دستهایشان بسته است. خدا را فراموش کردند و در نتیجه خدا آنان را به فراموشی سپرد و به حال خود رها کرد، بدون شک منافقان همان افراد فاسق و ناپاکند.

اینهم نمونه دیگری از یک مجتمع و از گونه است. مجتمعی که قوانین خدائی حاکم بر جهان آفرینش و ارشادها و رهنمودهای پیامبران را پشت سر گذاشته منافع پست و تنگ نظرانه و نزدیک خود را در نظر دارند و حاضر به سرمایه گذاری و پرداخت هیچ بهائی به منظور اداره جامعه خود نیستند و حاکم بر این افراد دروغ و تباهی و دورویی و توطئه و فساد و آلودگیها است که همان فسق باشد.

تذکره: در این آیه و آیات قبل - و هر آیه دیگری از قرآن - وقتی موضوع مورد بحث به صورت فعل بیاید حالت پیوستگی و استمرار و عمل مداوم را می رساند، و هرگاه منظور خدای متعال بیان ثبوت و رسوخ صفت و خصلتی در مؤمنان یا کافران یا منافقان و هر انسان که باشد، مطلب را به صورت اسم یا صفت فاعلی بیان می کند. نمونه نوع اول نماز برپای می دارند و زکاة می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و از خدا و رسولش فرمان می برند و رحمتی که از جانب خدا شامل حال این افراد خواهد شد، در این آیه و آیات قبل به همین مناسبت در ترجمه آنها از قیدهای پیوسته و مستمرا و امثال این الفاظ استفاده شد. نمونه نوع دوم در آیه بعد می آید.

ادامه دارد

مسائل انقلاب ایران....

کسی بخواهد آنها را بزند، او را بدون پاسخ نخواهند گذاشت.

مسأله ای که هم اکنون نگرانی شیعیان را فراهم آورده است طرح ناچواندرانه ای است که میخواهند منطقه «جبل عامل» را که شیعه نشین بوده و در جنوب لبنان قرار دارد، در وهله اول به اسرائیل واگذار کنند و یا آنرا بین اسرائیل و گرایشهای چپ مخصوصا فلسطینها تقسیم کنند، تا در نتیجه این تقسیم فلسطینهای آواره اسکان داده شوند و فاتحه مسأله فلسطین نیز خوانده شود به این ترتیب اسرائیل نیز به اهداف خود خواهد رسید. در صورتیکه ما معتقدیم مسأله فلسطین باید حل شود و «جبل عامل» نیز از چنگ اسرائیل خارج گردد.

مسأله دیگر اینکه شیعیان باید حقوق اقتصادی و سیاسی خود را بدست آورند و مسیحیان و سنیها باید این حقوق را رعایت کنند. اگر در کشور لبنان امکاناتی از نظر اقتصادی و سیاسی وجود دارد، باید

به عدالت بین همه تقسیم گردد.»

نائب رئیس مجلس شیعیان لبنان در مورد وحدت با گروههای مختلف لبنان گفت: منطقه «جبل عامل» و «بقاع» از دیر زمان منطقه ای مذهبی بود. ولی در نتیجه نفوذ گروههای سیاسی منحرف، بی دینی و فساد و فسق و فجور در آن رواج یافت.

ما برای آزادی فلسطین و سرکوب اسرائیل حاضریم تمام امکانات خود را بدهیم و حتی حاضریم از منطقه «جبل عامل» نیز چشم ببوشیم. ولی در حقیقت جریانهای دیگری مطرح است که مسأله سرکوبی اسرائیل را از طرف این گروهها و بعضی از کشورها متفی می سازد. گروههای سیاسی برای حفظ آبروی کشورهایی که می خواهند اسرائیل وجود داشته باشد، از آنها پول می گیرند و قصد دارند مسأله فلسطین را به قیمت منطقه «جبل عامل» حل کنند و «جبل عامل» را به عنوان گروگان برای سرپوش گذاشتن بر روی فلسطین معامله کنند.

ما تا آخرین نفس با این جریان مقابله خواهیم کرد و هیچگاه با گروههایی که چنین موضعگیری کنند و فساد را رواج دهند، نمی توانیم وحدت داشته باشیم.

مدتی پیش که من در فرانسه برای احقاق حقوق فلسطینها فعالیت میکردم، نیروهای مشترک فلسطینی با توپهای دوربرد خود یکی از دهکده های ما را ویران کردند و عده ای در حدود ۸۰۰ نفر را محاصره کردند و گروهی از مردم نیز کشته شدند جرم آنان این بود که حاضر نشدند سرشان را در مقابل اسرائیل خم کنند و حاضر نبودند که دهکده هایشان به دهکده های اسرائیلی تبدیل گردد. ما نه در رابطه با مسأله «جبل عامل» و نه مسأله فلسطین و نه هیچ مسأله ای دیگر، نمی توانیم به گروههای فلسطینی اعتماد کنیم و امکان اتحاد و وحدت با آنان برایمان وجود ندارد.